حادثه‌ها

## جنایت در میدان ساعت تبریز

● مـردی ۶۰ساله شـامگاه دوشـنبه در میدان ساعت و مقابل عمارت سنگی شهرداری تبریز با ضربات شـدید چاقو به قتل رسـید. مرد میانسال که توسط پسـر جوانش مورد حمله قرار گرفته و غافلگیر شـده بود به‌دلیل شـدت جراحات وارده در همـان لحظـات اولیـه جان خود را از دسـت داد. یکی از کسـبه محل وقوع حادثه که شـاهد ماجـرا بود گفت : حدود سـاعت۲۰ کنـار خیابان درحـال گفت‌وگـو با یکی از دوسـتانم بـودم که ناگهان متوجه شـدم مـردی فریادزنان از اتومبیل پیاده شـد و درحال دویدن و فرار از دست جوانی چاقوبه‌دسـت بود. وی اضافه کرد: در مدت‌زمان کوتاهـی مـرد جـوان مـرد میانسـال را مقابـل سـاختمان شـهرداری از پشـت مورد حمله قرار داد و با چاقویی که در دسـت داشت ضربه‌هایی بسیارشـدید از پشـت به او زد. این اتفاق در کمتر از ۲۰ثانیـه روی داد و مـردم بلافاصلـه موضوع را بـه پلیـس۱۱۰ و اورژانـس۱۱۵ بـرای اقدامات مربوطـه اطلاع دادنـد. وی بیان کرد: متاسـفانه ضربـات چاقو به‌قدری شـدید و زیاد بود که خون بسـیارزیادی کف خیابان را پر کـرده بود. در تمام عمرم چنین صحنـه ناراحت‌کننده‌ای ندیده بودم و هر شـخصی که این صحنه را دید بسیار متأسف و ناراحـت بـود و از لحظه وقوع حادثه کسـبه و افرادی که صحنه را مشاهده کردند از نظر روحی بسـیار آشفته هسـتند. براسـاس این گزارش مرد جوان بعد از کشـتن پدرش در خودروی شخصی خـود منتظر مامـوران نشسـت و توسـط پلیس دستگیر شد.

## بازگشت از پای چوبه‌دار

● **فـارس:** مردی کـه از ۱۰سـال پیش بـه اتهام قتـل در زندان به‌سـر می‌بـرد روز گذشـته هنگام اجرای حکم اعدام توسط اولیای دم بخشیده شد. سـیدصادق محدث‌سـبزواری رییس زندان ساوه در این‌بـاره اظهار کرد: طـی پیگیری و رایزنی‌های به‌عمل‌آمـده ایـن زندانـی که به جـرم قتل عمد مدت ۱۰سـال در زندان به‌سـر می‌برد و در آستانه اجرای حکم قصاص قرار داشـت با رضایت بدون قیدوشـرط اولیـای‌دم از مـرگ نجـات یافت و به زندگی بازگشـت. وی تصریح کـرد: این اتفاق پس از حضور خانواده اولیای‌دم و مسـوولان اجرایی و قضایی در زنـدان و در زمان اجرای حکم قصاص رخ داد.

## آسیب‌دیدگی بیش از ۹۰هزار تهرانی بر اثر نزاع

● **ایرنـا:** مدیـرکل پزشـکی‌قانونی اسـتان تهران گفت: ۹۱هزارو۲۸۸نفر در اسـتان تهران از ابتدای فروردین تا دی سـال‌جاری به‌علت آسـیب‌دیدگی بـر اثر نـزاع، به پزشـکی‌قانونی مراجعـه کردند. بشـیر نازپـرور توضیـح داد: این رقم در مقایسـه بـا مدت مشـابه سـال قبل کـه تعـداد مراجعان نـزاع ۸۹هزارو۵۶۱نفـر بـود، ۱ / ۹درصد افزایش یافتـه اسـت. بـه گفتـه وی، ۶۰هزارو۱۹۱نفـر از کل مراجعـان بر اثر نـزاع مـرد و ۳۱هزارو۹۷نفر زن بودنـد. نازپـرور تصریح کرد: در مدت مشـابه سـال قبل، ۵۹هزارو۱۷۵نفـر از مراجعان نزاع به پزشکی‌قانونی اسـتان مرد و ۳۰هزارو۳۸۶نفر زن بودند. مدیرکل پزشکی‌قانونی استان تهران با بیان اینکـه آمار نزاع در دی‌ماه با رشـد ۷/۱۲ درصدی نسـبت به مدت مشابه سال گذشـته مواجه بود، گفـت: هفت‌هزارو۹۲۶نفـر در دی‌مـاه بـه علت صدمه بر اثر نزاع به پزشـکی‌قانونی استان تهران مراجعه کرده‌اند.

## کلاهبرداری ۱۰میلیاردتومانی با ارسال پیامک

● **باشـگاه خبرنـگاران:** مـردی کـه بـا ارسـال پیامک‌هـای دروغیـن، بیـش از ۱۰میلیاردتومان از خریـداران خودروهای مدل‌بالا کلاهبـرداری کرده بـود در دام پلیس گرفتار شـد. مـردی چندی‌پیش با مراجعه به دادسـرای ناحیـه دو تهران با تنظیم شـکایتی گفـت: چندوقـت پیش پیامکـی مبنی‌بر فروش اقسـاطی خودروهای مدل‌بالا برایم ارسـال شد من هم با این پیامک وسوسه شدم و تصمیم به خرید گرفتم. شاکی ادامه داد: به آدرس اعلام‌شده در پیامـک رفتم. آنجا شـرکت بزرگی بـود و افراد زیادی برای خرید به آن شرکت مراجعه کرده بودند. بـرای همین در تصمیمی که گرفتـه بودم مطمئن شدم و پیش‌قسط یک‌خودروی مدل بالا را پرداخت کردم. وی افزود: قرار شـد چنـدروز بعد خودرو را تحویل بگیرم ولـی وقتی چندروز تبدیل به چندماه شـد و هربار مدیر شرکت یک بهانه‌ای آورد، متوجه کلاهبرداری شـدم و تصمیم به شـکایت گرفتم. با اعلام این شـکایت بررسـی موضوع در دسـتور کار ماموران قرار گرفت و تجسـس‌ها در این خصوص آغاز شـد. ماموران متوجه شـدند مدیر این شرکت صوری با ارسـال پیامک‌هـای دروغیـن از بیش از صدنفر کلاهبرداری کرده و میلیاردهاتومان پول به جیب زده است. با این اطلاعات و اظهارات شکات، مدیر این شـرکت دستگیر شد و تحت بازجویی قرار گرفـت. متهم درحالی بـه این کلاهبـرداری بزرگ اعتراف کرد که هنـوز تحقیقات پلیس درخصوص زوایای پنهانی این پرونده ادامه دارد.

# ۲ دختربچه؛ قربانیان تازه کودک آزاری

**شرق:** ماجرای آزار جسمی دوکودک که توسط مادران‌شان مورد ضرب‌وجرح قرار گرفته‌اند در حال رسـیدگی اسـت. یکی از این کـودکان بعد از بهبودی نسبی به پدرش سپرده شد اما کودک دوم همچنان در وضعیتی وخیم به‌سر می‌بـرد. به گزارش خبرنگار ما، دختری سه‌سـاله به نـام «پ» چندروز قبل درحالی‌که بیهوش بود توسـط پدرش و یکی از همسـایه‌ها به بیمارسـتان لقمان در تهران برده و در آی‌سـی‌یو بستری شد. معاینه‌های اولیه نشان داد این کودک به‌شـدت مورد آزار جسمی قرار گرفته است. آثار جراحت‌های نو و کهنه روی بدن کودک کاملا مشهود بود. این زخم‌ها بنا بر گزارش پزشکان و پرسـتاران با سـوزاندن سـیگار و وارد آوردن ضربات متعدد بر بدن کودک به‌وجود آمده بود. همسایه‌ای که «پ» را همراه پدرش به بیمارستان منتقل کرده بود به پرسـتاران گفت، کسـی که این دختر را کتک زده، مادرش است و این زن وقتی متوجه شـد فرزندش بیهوش شـده از پدر بچه خواست او را به بیمارستان منتقل کند. تحقیقات اولیه ماموران نشان داد پدر و مادر «پ» هردو به شیشه اعتیاد دارند و هنگامی که مواد مصرف می‌کردند فرزندشان را بـه باد کتک می‌گرفتند. همسـایه‌ها همچنین گفته‌اند بارها صدای گریه و ناله‌های کودک را شـنیده‌اند و متوجه شدند این کودک توسط پدر و مادرش آزار می‌بیند. پدر «پ» نیز گفت: آثار شـکنجه روی بدن کودک توسـط مادر او ایجاد شـده است. او گفت: «وقتی همسرم مواد مصرف می‌کرد یا عصبی می‌شـد، نمی‌توانست از «پ» مراقبت کند و مرتب او را کتک می‌زد. احتمالا او وقتی این کار را انجام داده که در توهم شیشه بود. زمانی که همسرم، بچه را کتـک زد من متوجه نشـدم دقیقا چه اتفاقی افتاده اسـت، فقط فهمیدم دخترم بیهوش است و او را به کمک یکی از همسایه‌ها به بیمارستان منتقل کردیـم.» خانـواده «پ» در شـهری در اطراف تهران زندگـی می‌کنند و پدر

کودک ابتدا او را به مرکزی درمانی در نزدیکی خانه‌شـان رسـاند اما به‌دلیل وخامت حال این کودک، پزشـکان اعلام کرده‌اند امکان نگهداری از «پ» در آنجا وجود ندارد. او باید به بیمارسـتان مجهز به آی‌سـی‌یو کودکان منتقل شـود زیرا سطح هوشیاری این کودک بسیار پایین آمده است. به همین دلیل کودک به تهران منتقل شد.

مطابـق آخریـن گزارش‌هـا، «پ» دارای آثـار سـوختگی بـا سـیگار، کبودی‌هایی روی دست‌وپا و تورم در چندنقطه از بدن است. او همچنان در بخش مراقبت‌های ویژه بسـتری است و گفته می‌شود هنوز نمی‌توان درباره وضعیت کـودک نظر قطعی داد، چراکه اسـکن‌های انجام‌شـده از مغزش نشـان می‌دهد او دچار آسـیب شـدید مغزی شـده است. پزشـکان معالج کـودک معتقدند احتمالا سـر او با ضربه‌ای بسـیار شـدید بـا جایی برخورد کـرده و از آنجایی که بافت‌های جمجمه کودک در این سـن هنوز محکم و منسـجم نیست، آسیب وارده بسیار شـدیدتر از حد معمول است. همچنین پرستاران گزارش داده‌اند وضعیت هوشیاری کودک ایستا نیست و گاه ضریب هوشیاری بالا می‌آید و گاه به‌شدت افت می‌کند.

ایـن درحالی اسـت که پدر «پ» بعـد از انتقال فرزندش به بیمارسـتان دیگر سراغی از او نگرفته است. به گفته پرستاران فقط یکی از همسایه‌های خانـواده این کـودک یک‌بار برای جویاشـدن حال «پ» به بیمارسـتان رفته اسـت. اکنـون داروهـا و لوازمی کـه این کودک نیاز دارد توسـط پرسـتاران به‌صورت داوطلبانه خریداری می‌شود.

جدال «پ» با مرگ در حالی ادامه دارد که کودک دیگری که او هم مورد آزار جسـمی قرار گرفته، طی روزهای اخیر در بیمارستان لقمان بستری بود. در این مورد کودک آسیب‌دیده، دختربچه‌ای بود که بعد از جدایی والدینش با مادرش زندگی می‌کرد و توسـط مادر مورد شـکنجه قـرار می‌گرفت. این دختربچه که پنج‌سـاله بود توسـط پدرش به بیمارستان منتقل شد. مطابق گزارشـی که پدر کودک به بیمارستان ارایه داد، او چندسال قبل از همسرش جدا شـد و به درخواسـت همسـرش، بچه را به او سـپرد و خودش مجددا ازدواج کـرد. روز حادثـه مادر این بچه با شـوهر سـابقش تمـاس گرفت و گفت بچه ناگهان حالش بد شـده اسـت. بعد از انتقال کودک به بیمارستان پزشـکان، اعلام کردند او دچار ضربه مغزی شـده اسـت. این کودک نیز در بخش آی‌سی‌یو بستری بود و بعد از به‌هوش‌آمدن و بهبود نسبی به پدرش سـپرده شـد. شـیرین صدرنوری، یکی از اعضای انجمـن حمایت از حقوق کودکان روز گذشـته در این خصوص به خبرنـگار ما گفت: «انجمن آمادگی آن را دارد تا هم هزینه‌های «پ» را تقبل کند و هم در خصوص هردو کودک اقدامات لازم را انجام دهد و در صورت نیاز مرکزی را برای نگهداری بچه‌ها آماده کند.»

## عشق مرگبار کارمند به مدیر

### پسر جوان بعد از خواستگاری از رییسش کشته شد

راز قتـل جوانی که عاشـق رییس خود شـده بود، در جریـان تحقیقـات تخصصـی پلیـس فاش شـد. ابتدا تصور می‌شـد این جوان در پی سـانحه رانندگی جـان باخته اما اکنون ثابت شـده این تصادف عمدی بـوده اسـت. ماموران پلیـس تهران اواخـر مرداد در جریـان وقـوع تصـادف میان یک‌خـودرو پـژو۲۰۶ و یک‌موتورسـیکلت در بزرگراه یادگار امام قرار گرفتند و وقتی به محل حادثه رفتند، متوجه شـدند موتورسوار که جوانی به نام تورج بود، فوت شده است. راننده پژو که ابتدا قصد داشت از محل تصادف فرار کند، توسط مـردم متوقف شـد. مامـوران بعد از بررسـی صحنه تصادف پرونده‌ای در این خصوص تشکیل دادند. پس از آن در حالی‌که تصور می‌شد این سانحه، غیرعمدی اسـت، راننده پژو که مهران نام دارد آزاد شـد. چندی بعد خانواده تورج به دادسـرا رفتنـد و اطلاعاتی تازه را ارایـه دادند و گفتند به‌نظر آنها فرزندشـان به‌عمد کشـته شـده اسـت. خانـواده متوفی توضیـح دادند تـورج در یک‌شـرکت خصوصی کار می‌کـرد و بعد از مدتی به مدیر شـرکت که زنی جوان بـه نام محبوبه بـود، علاقه‌مند شـد و حتی از او درخواسـت ازدواج کـرد اما مدیر شـرکت ایـن خواسـته را نپذیرفت و از طرفی مهران که از مشـتریان این شـرکت بود، بعد از اطـلاع از این ماجـرا با تورج اختلاف پیـدا کرد و آنها چندبـار با هم مشـاجره کردند. خانـواده تورج گفتند وقتـی فهمیدند فـردی که با پسرشـان تصادف کرده، همان شـخصی اسـت که با او اختلاف قبلی داشته، بـه موضوع مشـکوک شـدند و به‌نظر آنهـا تورج به قتل رسـیده اسـت. بازپـرس پرونده بعـد از اطلاع از این جزییـات از کارآگاهان جنایی خواسـت تحقیقات ویـژه‌ای را در این خصـوص انجام دهنـد. کارآگاهان پیش از هـر اقدامی به بازجویی از مهـران پرداختند. ایـن جوان عمدی بودن تصـادف را انکار کرد و گفت: «روز حادثه با سـرعت بالا در اتوبان رانندگی می‌کردم که ناگهان یکی از لاسـتیک‌ها ترکید، ماشـین منحرف شـد و با یک موتورسـوار تصادف کردم. سریع خودرو را متوقف کردم و به سمت موتورسوار رفتم. آن‌موقع بود که فهمیـدم با تورج تصادف کـرده‌ام. این ماجرا کاملا اتفاقی بود.» افسـران جنایی در ادامه تحقیقات مدارکی را به دسـت آوردند که نشـان می‌داد مهران خبـر داشـته تـورج در آن سـاعت از روز حادثـه، در بزرگراه یادگار امام است. همین سرنخ سوءظن نسبت بـه متهم را بیشـتر کرد و بازجویـی از او تا آنجا پیش رفت که وی به ارتکاب قتل اقرار کرد.

متهم گفت: «روز حادثه به سمت شرکت محبوبه حرکـت می‌کردم که او با من تماس گرفت و گفت در اتوبان یادگار اسـت و تـورج او را تعقیب می‌کند. من برای اینکـه به این مزاحمت پایان دهم، به محلی که محبوبـه گفته بـود رفتم و وقتی دیـدم تورج در حال صحبت با او اسـت، با ماشین به وی زدم و بعد سعی کردم فرار کنم اما لاستیک خودروام ترکید و بعد از آن مردم مرا دسـتگیر کردند.» مامـوران در گام بعدی به بازجویـی از محبوبه پرداختند. او مشـارکت در قتل را انکار کرد و گفت: «تورج در شرکت من کار می‌کرد اما به دلیل مزاحمت‌هایش او را اخراج کردم. روز حادثه نیـز وقتی فهمیـدم تعقیبم می‌کند با مهـران تماس گرفتـم و از او کمـک خواسـتم اما اصلا بـا او درباره تصادف عمدی و قتل حرفـی نزدم و این خود مهران بود که دست به چنین کاری زد.»

سـرهنگ آریـا حاجـی‌زاده، معـاون مبـارزه بـا جرایـم جنایی تهـران بـزرگ دربـاره این پرونـده به باشـگاه‌خبرنگاران گفت: با توجه بـه اعترافات هردو متهم، قرار بازداشت موقت توسط مقام قضایی صادر شد و متهمان برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

گفت‌وگو با سارقی که ۱۸سابقه کیفری دارد:

## من آدم‌حسابی هستم

**شـرق: کارآگاهـان پایـگاه سـوم پلیـس آگاهـی درحال تحقیـق از اعضـای باندی هسـتند کـه پـس از تعقیب مشـتریان بانک‌ها بـا پنچرکردن خـودرو آنها در فرصتی مناسب پول‌هایشـان را سـرقت می‌کردند. اعضای این باند همگی از مجرمان سـابقه‌دار هسـتند. غلامحسـین عضـو ۵۱سـاله ایـن باند اسـت که نسـبت بـه دیگران پرونده‌ای سـنگین‌تر دارد و تاکنون ۱۸مرتبه دسـتگیر و زندانی شـده است. این متهم در گفت‌وگو با خبرنگار ما، درباره جرایمش توضیح داده است:**

**چند سابقه داری؟ از چه زمانی شروع به خلاف کردی؟**

۱۸سـابقه دارم. اولیـن سـابقه‌ام مربوط به سـال۶۱ اسـت البته هفت یـا هشـت‌مورد از سـوابقم مربوط به قاچاق کالاست.

**اولین‌بـار چـه زمانـی و چطور دستگیر شدی؟**

سـال۶۱ در بـازار مغـازه داشـتم. پلیس برای دسـتگیری معتادان و موادفروشان به آنجا آمده بـود. من در کار خریدوفـروش اکلیل، پولک‌طلا و نقره بودم و یک انبار داشـتم که اجنـاس را در آن نگه می‌داشتم. ماموران برای بازرسی به انبار من هم آمدند و وقتـی پولک‌ها را دیدند، فکر کردند در کار قاچاق طلا هسـتم و طلاهـا را خرد کرده‌ام تا از کشـور خارج کنم. ۲۰روز بازداشت بودم تا اینکه فهمیدند ماجرا چیست و اکلیل‌ها را پس دادند اما همان ماجرا برایم سـابقه شد و از آنجا بود که خلاف را شروع کردم.

**گفتی در زمینه قاچاق کالا هم فعالیت می‌کردی، در این‌باره توضیح بده؟**

مثلا ۲۰ترازو دیجیتال را در جعبه یخچال جاسـازی می‌کـردم و به کشـور می‌آوردم تا گمرکـی ندهم فقط فاکتور کالا را نشـان می‌دادم و بعـد از ارزیابی یخچال آن ترازوهـا را بـه داخل کشـور مـی‌آوردم و با قیمت خوب می‌فروختم. بیشتر جرایمم در این حوزه بود. من آدم‌حسابی هستم، نمایندگی عینک رین را داشتم.

**این‌دفعه چرا دستگیر شدی؟**

به اتهـام کیف‌قاپی البته هیچ خشـونتی در کارمان نبـود. طعمـه را شناسـایی می‌کردم و حتـی در بانک بـه او نایلـون مـی‌دادم تـا پولش را در آن بگـذارد بعد به همدسـتانم در بیـرون بانـک می‌گفتـم فلان فـرد را که نایلون دسـتش اسـت، هدف قرار دهنـد معمـولا هـم ماشـین را پنچر می‌کردیم یا شیشـه را می‌شکستیم و پـول را از روی صندلی یـا زیرصندلی برمی‌داشتیم.

**دربـاره زندگـی خانودگـی‌ات توضیح بده.**

همان‌طور کـه گفتم، من کاسـب هسـتم. پدرم نظامی اسـت. چندمهندس برای من کار می‌کردنـد و بعد از آن با افرادی آشـنا شـدم که مرا به فسـاد کشـیدند. آن موقع چندزن صیغه‌ای داشتم اما الان وضع فرق کرده چندسالی است که ازدواج کرده‌ام و بچه کوچک دارم. آبرو دارم.

**پس چرا سرقت می‌کردی؟**

{سکوت}.

**این‌دفعه چطور دستگیر شدی؟**

یک‌روز در خانه خواب بـودم ماموران در خانه‌ام را زدند و گفتند غلامحسـین تو هسـتی، جواب دادم بله. گفتند بازداشتی، بدون درگیری و مقاومت با ماموران به اداره آگاهی آمدم و الان هم اینجا هستم.

## کودکان و نوجوانان فرانسوی ۸۱درصد قربانیان خشونت‌های جنسی

**اکسـپرس:** ۸۱درصد قربانیان خشـونت‌های جنسی در فرانسـه، کـودکان و نوجوانان هسـتند. نتایج یک تحقیق که توسـط سـازمانی موسـوم بـه «انجمن خاطـرات قربانیـان ضربـات روحـی» بـا همکاری صنـدوق کـودکان سـازمان‌ملل (یونیسـف) درباره ناهنجاری‌هـای اجتماعـی در فرانسـه انجام شـده اسـت، نشـان می‌دهد بیش از ۸۱درصد از قربانیان خشـونت‌ها و سوءاستفاده‌های جنسی در این کشور، کودکان و نوجوانان هستند. این تحقیق روی بیش از دوهزاروصدنفر در سنین ۱۵تا۷۲سال که ۹۵درصد از آنها زن بودند، انجام شد و محققان دریافتند یک‌پنجم زنـان و دختران و یک‌چهاردهم مردان و پسـران در فرانسـه قربانـی نوعی از خشـونت و سوءاسـتفاده جنسـی هسـتند و ۹۴درصد این خشـونت‌ها توسط نزدیـکان این افراد صورت گرفته اسـت. این تحقیق نشان می‌دهد ۸۱درصد از پرسش‌شوندگان، پیش از ۱۸سـالگی قربانی خشـونت‌های جنسی شده‌اند که از میان آنها، ۵۱درصد پیش از ۱۱سـالگی و ۲۱درصد پیش از شش‌سالگی هدف سوءاستفاده‌های جنسی واقع شده‌اند.

ادامه از صفحه اول

## نام مصدق؛ زینت اجلاس الجزایر

مصـدق الگویی برای تشـکیل جنبش عدم‌تعهد بـود که در سـال۱۹۶۱ به همت تیتو، قـوام نکرومه، احمد سوکارنو، عبدالناصر و جواهر لعل‌نهرو تشکیل شـد. جنبشـی که در اوج جنگ سـرد بیـن دوبلوک سرمایه‌داری و کمونیسـم، برای اعلام عدم‌وابستگی به این دوبلوک بنیان گذاشته شد. ایده‌ای که مصدق با عنوان «موازنه منفی» در عدم‌وابستگی به شرق و غرب آن را یک‌دهه قبل از تشکیل جنبش عدم‌تعهد در ایـران آغـاز کـرده بود. در نشسـت اخیـر وزرای خارجـه کشـورهای عضـو عدم‌تعهـد در خردادماه سـال‌جاری در الجزایر، جلسه‌ای با حضور همه وزرا و هیات‌هـای همـراه به‌منظور تجلیـل از چهره‌های برتـر جنبـش ترتیـب یافت کـه ریاسـت آن را وزیر خارجـه دولت میزبـان عهده‌دار بود. در این جلسـه اخضـر ابراهیمی، سیاسـتمدار برجسـته الجزایری، که چهـره‌ای نام‌آشـنا در عرصه بین‌المللی اسـت، باعنوان پیشکسـوت جنبش، مورد تجلیل قرار گرفت و سخنرانی کرد. ابراهیمی در ابتدای سخن، با اشاره به جایگاه برجسـته جنبش و تاثیر آن در تاسیس راه جدیدی فـراروی ملت‌ها و نام‌بـردن از بنیان‌گذاران جنبـش (ناصر، سـوکارنو، تیتـو، نهـرو) و تجلیل از آنان گفت: «آنچـه امروز داریم مدیون سـوکارنوها، ناصرها، نهروها و سـایر شخصیت‌های بزرگ نیست، بلکه مدیون کسـی هسـتیم که راه را به ما نشان داد و تلاش کرد خود و ملتش و جهان‌سـوم را در مسیر جدیدی از مبارزه با استعمار و سلطه‌طلبی قرار دهد. اگرچه این مرد در میانـه راه به‌دلیل همراهی‌نکردن عوامـل مختلف ما را تنها گذاشـت، ولی او راه را به مـا نشـان داد و ازاین‌رو همه ما مدیون او هسـتیم و اگـر امروز اینجـا گردهم آمده‌ایم، باید یـاد این بزرگ را گرامـی بداریـم». درحالی‌که حضار مشـتاق بیان نـام آن فرد بودنـد -که مقصود اخضـر ابراهیمی با ایـن تعابیر و تجلیل بـود- او در میان بهت و حیرت حاضران گفت... . «و او کسی نبود جز محمد مصدق (و لـم یکن ذلـک الا محمد مصـدق)». نام مصدق کـف‌زدن حضار را کـه دکتر ظریف نیـز در میان آنها بـود، به‌همراه داشـت و نشـانگر جایگاه والای این سیاسـتمدار ایران در جهان اسـت. این‌چنین اسـت کـه نـام مردانی چـون مصدق بـا صفحاتـی زرین، زینت‌بخش تاریخ و موجب افتخار کشـورهایی است که چنیـن بزرگانی را در آغـوش پرمهر خود پرورش داده و آنهـا را نـه فقط به سـرزمین خـود، بلکه به جهان عرضه کرده است.